

گزارشی از وضعیت جهانی «حمایت اجتماعی»

## فقط ۲۹ درصد از مردم جهان از تامین اجتماعی جامع برخوردارند



### گزارش

حق برخورداری از نظام «حمایت اجتماعی» و «تامین اجتماعی»، یکی از موارد اساسی حقوق بشر به حساب می آید. «حمایت اجتماعی»، شامل مجموعه‌ای از سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌هایی است که به منظور جلوگیری و کاستن از میزان فقر و آسیب‌پذیری افراد در تمامی مراحل زندگی‌شان طراحی می‌شود. دامنه مزایای آن، گروه‌ها و مواردی چون کودکان، خانواده‌ها، دوران بارداری، بیکاری، حوادث کار، بیماری، سالمندی، ناتوانی، بازماندگان حوادث و سلامت ران تحت پوشش قرار می‌دهد. برقراری

نظام «حمایت اجتماعی» نقشی کلیدی در نائل آمدن کشورها به اهداف «توسعه پایدار» و ارتقای «عدالت اجتماعی» و تحقق بخشیدن به حق اساسی برخورداری همگان از «تامین اجتماعی» ایفا می‌کند. در کشورهای مختلف، این امر با برنامه‌های متفاوتی نظیر ایجاد انواع صندوق‌های مربوط به بیمه‌های اجتماعی یا سایر طرح‌های «مساعادت اجتماعی» دنبال می‌شود. تحقق بخشیدن به نظام‌های ملی و کل‌آمد «حمایت اجتماعی» برای تمامی افراد به منظور جلوگیری از درافتادن آن‌ها در مخاطره فقر، از اهداف اصلی توسعه پایدار مدنظر سازمان ملل متحد است که از جانب تمامی کشورهای جهان نیز مورد حمایت قرار گرفته است. «سازمان بین‌المللی کار» (ILO)، به منظور رصد کردن وضعیت نظام‌های حمایت اجتماعی و روندهای موجود آن در

سراسر جهان، گزارش‌هایی را به صورت سالانه منتشر می‌کند تا دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را یاری کند با بهره‌گیری از داده‌ها و اطلاعات ارائه‌شده، به سیاست‌گذاری کارآمدتر در راستای تحقق ایده «تامین اجتماعی برای همه» گام بردارند. در این گزارش، مهم‌ترین یافته‌های آخرین گزارش از مجموعه گزارش‌های سالانه این سازمان به اختصار ارائه می‌شود.

● به رغم پیشرفت‌های به دست آمده در گسترش نظام «حمایت اجتماعی» در بسیاری از مناطق جهان، حق برخورداری از تامین اجتماعی هنوز هم برای اکثریت جمعیت جهان محقق نشده است.

مطابق این گزارش، تنها ۴۵ درصد از جمعیت جهان حداقل از یکی از مزایای تامین اجتماعی به خوبی بهره‌مند هستند و ۵۵ درصد باقی‌مانده، یعنی حدود چهار میلیارد نفر از جمعیت جهان، از امکان دسترسی به حمایت‌های اجتماعی محروم هستند. بررسی‌های «سازمان بین‌المللی کار» نشان می‌دهد که تنها ۲۹ درصد از جمعیت جهان به نظام‌های جامع تامین اجتماعی و تمامی مزایای آن دسترسی دارند و ۷۱ درصد باقی‌مانده، یعنی ۵/۲ میلیارد نفر، یا از دسترسی به هر نوعی از نظام تامین اجتماعی محروم هستند یا تنها به بخشی از مزایای آن دسترسی دارند. ریشه این شکاف عظیم، به سرمایه‌گذاری اندک در حوزه حمایت اجتماعی، به ویژه در آسیا، آفریقا و دولت‌های عربی بازمی‌گردد.

عدم دسترسی به حمایت‌های اجتماعی، افراد را در تمامی مراحل زندگی‌شان در برابر فقر و نابرابری آسیب‌پذیر می‌کند و مانعی جدی بر سر راه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها محسوب می‌شود. ● در سراسر جهان، تنها ۲۵ درصد از کودکان به نظام‌های کارآمد «حمایت اجتماعی» دسترسی دارند.

۷۵ درصد باقی‌مانده، یعنی ۱/۳ میلیارد کودک که عمدتاً در آفریقا و آسیا متمرکز زندگی می‌کنند، از مزایای «حمایت اجتماعی» بی‌بهره هستند. به طور میانگین، ۱/۱ درصد از «تولید ناخالص داخلی» (GDP) کشورها برای رفاه کودکان زیر ۱۴ سال هزینه می‌شود و این بدان معناست که سهم سرمایه‌گذاری برای رفاه کودکان، بسیار اندک است. این موضوع، نه تنها بر رفاه کودکان تأثیر می‌گذارد، بلکه در طولانی مدت، وضعیت توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

● برخورداری از نظام «حمایت اجتماعی»، نقشی اساسی در تضمین امنیت درآمدی افراد واقع در سنین اشتغال ایفا می‌کند.

به رغم پیشرفت‌های حاصل شده، دسترسی افراد به حمایت اجتماعی در سنین اشتغال هنوز هم محدود است. به عنوان مثال، تنها ۱/۱ درصد از مادرانی که تازه صاحب فرزند شده‌اند، از «مزایای مربوط به زایمان و بارداری» برخوردار هستند و ۸۳ میلیون نفر از تازه‌مادران نیز از دسترسی به این مزایای بهره‌مند هستند. مثال دیگر، تعداد

۱۵۲ میلیون نفری کارگران بیکار شده‌ای است که در سراسر جهان، امکان استفاده از «مزایای مربوط به خدمات بیکاری» را ندارند. همچنین تحقیقات «سازمان بین‌المللی کار» نشان می‌دهد، تنها ۲۷/۸ درصد از افرادی که دچار ناتوانی هستند، از «حمایت‌ها در مقابل ناتوانی» استفاده می‌کنند. به طور میانگین، تنها میزان ۳/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورها صرف هزینه‌های عمومی مربوط به انواع «حمایت‌های اجتماعی» در راستای تضمین امنیت درآمدی افراد واقع در سنین اشتغال می‌شود، این در حالی است که افرادی که موضوع این حمایت‌ها هستند، اکثریت جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند.

● برخورداری از مستمری بازنشستگی، متداول‌ترین و گسترده‌ترین نوع «حمایت اجتماعی» در سراسر جهان است و از اهداف اصلی توسعه پایدار محسوب می‌شود.

میزان ۶۸ درصد از افرادی که بازنشسته شده‌اند، «مستمری بازنشستگی» دریافت می‌کنند. با این حال، مقدار اندک و ناکافی این مزایا نمی‌تواند افراد مسن را از درافتادن در مخاطره فقر نجات دهد. به طور میانگین، ۶/۹ درصد از تولید ناخالص داخلی، برای ارائه مزایای مربوط به سالمندی و بازنشستگی افراد هزینه می‌شود. البته این میزان، در مناطق مختلف جهان بسیار متفاوت است. برای حل این بحران، در بسیاری از کشورها روند خصوصی‌سازی خدمات بازنشستگی به اجرا گذاشته شده است،

اما گزارش اخیر «سازمان بین‌المللی کار» درباره وضعیت کشورهایی مانند آرژانتین و قزاقستان نشان می‌دهد که این نوع سیاست‌گذاری، در عمل نتوانسته انتظارات را برآورده کند.

● حق دسترسی به سلامت و بهداشت، هنوز هم برای بسیاری از افراد محقق نشده است. برای مثال، ۵۶ درصد از جمعیت روستانشین جهان فاقد نظام‌های حمایتی مربوط به سلامت هستند. در شهرها اما، تنها ۲۲ درصد از جمعیت از دسترسی به «خدمات مرتبط با سلامت» محروم هستند. در مثالی دیگر، بیش از ۴۸ درصد از جمعیت جهان در کشورهای زندگی می‌کنند که هیچ‌گونه نظام مراقبتی طولانی مدت و دائمی در آن‌ها وجود ندارد. ارائه این گونه مراقبت‌ها، به خصوص برای افراد سالمندی که به واسطه شرایط جسمی خاص‌شان امکان مراقبت از خود را ندارند، بسیار ضروری است. علاوه بر این، ۴۶/۳ درصد از افراد مسنی که امکان دسترسی به این خدمات را دارند، به دلیل مقررات مربوط به «آزمون وسع» از دریافت این خدمات منع شده‌اند. چرا که مطابق این مقررات، افراد باید واقعاً فقیر باشند تا سزاوار دریافت این خدمات شناخته شوند. در واقع، تنها ۵/۶ درصد از جمعیت جهان در کشورهای زندگی می‌کنند که این خدمات برای‌شان قابل تحقق است. با توجه به پدیده «سالمندشدن» جمعیت جهان، این موضوع اهمیت مضاعفی یافته است.

منبع: سایت سازمان بین‌المللی کار

## برنامه دولت اسکاتلند برای مقابله با فقر کودکان

طی ۲۰ سال گذشته، فقر کودکان در اسکاتلند به بیشترین میزان خود رسیده است و برآورد می‌شود، تا پایان سال ۲۰۲۳، میزان کودکانی که در «فقر نسبی» زندگی می‌کنند به ۲۹ درصد برسد. خود اسکاتلندی‌ها، کاهش بوجه نظام «تامین اجتماعی» اسکاتلند توسط دولت بریتانیا را مسبب اصلی این وضعیت می‌دانند. مقابله با این بحران و تبعات ناشی از آن، در حال حاضر جزء اهداف اصلی دولت این کشور محسوب می‌شود. دولت اسکاتلند سیاست‌هایی را برای کاهش فقر کودکان تا پایان سال ۲۰۳۰ تدوین کرده است تا بتواند «فقر نسبی» کودکان را از ۲۶ درصد به ۱۰ درصد و «فقر مطلق» کودکان را از ۲۱ درصد به پنج درصد کاهش دهد. گروه‌های کارگری در برنامه‌ها و کارزارهای خود، به دنبال اجرای سیاست افزایش ۱۰ پوندی کمک‌هزینه‌های مربوط به فرزندان برای همه خانواده‌ها بوده‌اند. در حال حاضر اما، دولت اسکاتلند برنامه دارد تا به‌ازای هر فرزند، هفته‌ای ۱۰ پوند دیگر به خانواده‌های کم‌درآمد اختصاص دهد. این طرح، بناسبت که در ابتدا و تا اوایل سال ۲۰۲۱، برای خانواده‌های کم‌درآمدی که دارای فرزند کمتر از شش سال هستند، به اجرا گذاشته شود و در مرحله بعدی، یعنی تا پایان سال ۲۰۲۳، برای خانواده‌هایی که فرزندان کمتر از ۱۶ سال دارند نیز اعمال خواهد شد. برآورد می‌شود، این طرح بتواند سی هزار کودک را از «فقر نسبی» نجات دهد و ۸۰ درصد از کودکان دچار معضل فقر را تحت پوشش خود قرار دهد. همچنین برخلاف بسیاری از کشورهای دنیا که ارائه کمک‌هزینه‌های مربوط به نگهداری از کودکان را تنها به دو کودک در خانواده‌ها محدود می‌کنند، در برنامه دولت اسکاتلند هیچ محدودیتی برای تعداد فرزندان که در هر خانواده مشمول دریافت مزایای این طرح قرار می‌گیرند در نظر گرفته نشده است. این برنامه دولت اسکاتلند برای مقابله عملیاتی با فقر کودکان، از جانب بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته و دولت این کشور نیز امیدوار است، با اتخاذ سیاست‌گذاری‌های صحیح، بتواند با کسری‌های بوجه موجود در زمینه «تامین اجتماعی» مقابله کند و حداقل بتواند کودکان این کشور را از فقر «مطلق» و «نسبی» نجات دهد.

منبع: روزنامه گاردین

## در یک اقتصاد سبز، ۲۴ میلیون شغل جدید ایجاد خواهد شد

اگر سیاست‌گذاری‌های صحیح مبتنی بر اقتصاد سبز و دوستدار محیط‌زیست اتخاذ و اعمال شود، قریب به ۲۴ میلیون شغل تازه در جهان ایجاد خواهد شد. فراتر از این، تلاش برای کاهش دو درجه سانتیگرادی دمای هوای توند باعث ایجاد مشاغلی در راستای تغییر منابع انرژی، استفاده از وسایل حمل و نقل الکترونیک، ارتقای بهره‌وری انرژی در ساختمان‌ها، تصفیه آب، خاک و هوا، کنترل آفت‌ها، محافظت از جنگل‌ها و دریاها، محافظت از آسیب‌های گردشگری و... شود و برای ۱/۲ میلیارد نفر در سراسر جهان اشتغال ایجاد کند. در واقع، اگر کشورها حرکت در راستای یک اقتصاد دوستدار محیط‌زیست را جدی بگیرند، مشاغلی برای ایجاد و نگهداری از محیط‌زیست سالم و پایدار ایجاد خواهد شد و از این طریق، میلیون‌ها نفر نه تنها صاحب شغل می‌شوند و از فقر نجات پیدا می‌کنند، بلکه زندگی نسل‌های آینده بشر نیز تامین خواهد شد. در سطح منطقه‌ای، در آمریکا، آسیا و اقیانوسیه و اروپا با توجه به اعمال تغییراتی در نوع انرژی مصرفی، میلیون‌ها شغل ایجاد خواهد شد. در مقابل اما، با فرض تداوم روند موجود، میزان ۴۸/۴ درصد از مشاغل موجود در خاور میانه به دلیل اتکای کشورهای این منطقه به درآمدهای ناشی از سوخت‌های فسیلی و معادن، از میان خواهد رفت.

این سیاست‌ها، شامل کاهش میزان استفاده از سوخت‌های فسیلی، استقرار نظام‌های تامین اجتماعی کارآمدتر، اشتغال‌زایی، توزیع عادلانه‌تر درآمد و کاهش گازهای گلخانه‌ای می‌شود.

منبع: سایت سازمان بین‌المللی کار



زهره طاهری

گردآوری و ترجمه

تنها ۴۵ درصد از جمعیت جهان حداقل از یکی از مزایای تامین اجتماعی به خوبی بهره‌مند هستند و ۵۵ درصد باقی‌مانده، یعنی حدود چهار میلیارد نفر از جمعیت جهان، از امکان دسترسی به حمایت‌های اجتماعی محروم هستند

### امکان تحقق نظام

### «حمایت اجتماعی» در کم‌درآمدترین کشورها

### خبر

تحقق ایده برخورداری از «نظام جامع تامین اجتماعی برای همگان» همان اندازه که ضروری و انسانی است، غیر قابل دسترس و آرمایی نیز به نظر می‌رسد، اما گزارش‌های «سازمان بین‌المللی کار» در مورد مخارج نظام حمایت اجتماعی و امکان‌پذیری آن در ۵۷ کشور کم‌درآمدتر جهان (۳۴ کشور با درآمد متوسط رو به پایین و ۲۳ کشور با درآمد کم) نشان می‌دهد که حتی فقیرترین کشورهای جهان نیز امکان ارائه انواع حمایت‌های اجتماعی (از جمله حمایت

از کودکان، مادران، افراد ناتوان، سالمندان و بازنشستگان) برای تمامی شهروندان خود را دارند، البته به شرط آنکه واقعاً در اجرای چنین تصمیمی مصمم باشند. راه‌حل‌های بسیاری برای رفع مشکل کمبود منابع لازم برای برقراری نظام حمایت اجتماعی پیشنهاد شده است. برای نمونه، باز توزیع هزینه‌های عمومی، افزایش درآمدهای مالیاتی، توسعه درآمدهای نظام تامین اجتماعی، درخواست کمک از سایر کشورها، حذف گردش‌های مالی غیر مشروع و مدیریت بدهی‌ها از جمله

راهکارهایی هستند که دولت‌ها می‌توانند برای تامین منابع لازم برای ارائه خدمات مربوط به حمایت‌های اجتماعی به کار گیرند. برای مثال، در این گزارش آمده است، اگر کشورهای خاورمیانه، بیش از دو درصد از تولید ناخالص داخلی خود را برای تامین مالی هزینه‌های مربوط به استقرار نظام حمایت اجتماعی به کار گیرند، کارآمدی و جامعیت این نظام در این کشورها افزایش قابل ملاحظه‌ای خواهد یافت. کشورهای غنا و اندونزی، توانسته‌اند درآمدهای ناشی از پارانه‌های انرژی خود را برای «حمایت اجتماعی» هزینه کنند. آرژانتین و برزیل نیز با رسمی کردن کارگران شاغل در بخش‌های غیررسمی اقتصاد خود، دامنه شمول نظام‌های تامین اجتماعی خود را گسترش داده‌اند. دست آخر، بیش از ۶۰ کشور جهان توانسته‌اند پس از

مذاکره با طلبکارها بر سر بدهی‌های‌شان، پس‌انداز مالی لازم برای اجرای طرح‌های اجتماعی‌شان را تامین کنند. در انتها، براساس این گزارش می‌توان گفت که ایجاد نظام «حمایت اجتماعی»، نیازمند تقویت گفت‌وگوهای ملی برای بازتعریف اولویت کشورهاست. انجام چنین گفت‌وگوهایی مستلزم مشارکت اتحادیه‌های کارگری، کارگران، جامعه مدنی، سازمان‌های بین‌المللی (مانند سازمان ملل) و البته تصمیم دولت‌هاست. ایده «تامین اجتماعی برای همه»، ابدا ایده‌ای آرمانی و غیر قابل دسترس نیست، بلکه نیازمند آن است که دولت‌ها با توجه به ظرفیت‌هایی که در اختیار دارند، تمامی راهکارهای ممکن را برای تامین منابع مالی مورد نیاز شناسایی و بسیج کنند و اجرای این ایده را در زمره اولویت‌های اساسی خود به رسمیت بشناسند.